



## سوسن ده زبان آزاده؛ بررسی تصاویر شعری گل سوسن در ادبیات فارسی

علیرضا نبی لو<sup>۱</sup>

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

### چکیده

سوسن، از موضوعات و عناصری است که در شعر اغلب شاعران به کار رفته و با توجه به اوصاف و ویژگی‌هایش، امکان تصویرسازی بسیاری ایجاد کرده است؛ هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل تصویرسازی شاعران از سوسن است. هدف دیگر، ترسیم نوع نگرش شاعران به این موضوع در طول تاریخ ادب فارسی است. از سوی دیگر، در این پژوهش میزان ابتکارها و تقلیدها در این تصویرسازی و نیز تنوع تصاویر شعری گل سوسن مشخص می‌گردد. با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، ۵۳ شاعر انتخاب شده و از طریق تحلیل و طبقه‌بندی به بررسی تصاویر شعری گل سوسن در آثار این شاعران پرداخته شده و طبق معیار تقدم و تأخر تاریخی، تصاویر تقلیدی و ابتکاری مشخص گردیده و با استفاده از جدول و نمودار، یافته‌ها عینی و ملموس‌تر نشان داده شد. برخی از یافته‌های این پژوهش بدین قرار است: در شعر این شاعران، بیش از ۷۵۳ تصویر متنوع و ۳۹۶ تصویر منحصر به فرد از گل سوسن دیده می‌شود. رابطه سوسن با گل، لاله، سرو، آزادی، چهره و عارض، نرگس، زبان، بو، ده زبانی، خاموشی، آزادگی، سبیل، یاسمن، بنفشه، نسرين، تازگی، بندگی و سیر و... در شعر آنان به ترتیب، بیشترین بسامد را دارد. مولوی، امیر معزی، حسن غزنوی، قطران، فرخی و جامی بیشترین تصاویر ابتکاری را از سوسن پدید آورده‌اند. همچنین رابطه سوسن با اوصاف و اعمال انسانی (۵۰ درصد) و عناصر طبیعت (۱۵/۵ درصد) پر بسامدتر از سایر موضوعات است.

**واژگان کلیدی:** سوسن، تصویر، تصاویر ابتکاری، تصاویر تقلیدی، شعر فارسی.

<sup>1</sup> Email: dr.ar\_nabiloo@yahoo.com





## Liberally Gladiole with ten language; An Investigation of the Image of Gladiole in Persian poetry

Alireza Nabilou<sup>1</sup>

Professor of the Department of Persian language and literature, University of Qom, Qom, Iran

Received: 2020/10/28 | Accepted: 2022/3/27

### Abstract

Persian poets have made use of gladiole in their poetry and paid attention to particulars and descriptions of gladiole. The purpose of this study is to investigate numerous and various images of gladiole. The evolution of this image in different periods at the vertical axis of Persian literary history is studied as well. All images for gladiole are classified and studied in 53 poets and, according to the factor of initiator and imitator poet, original and imitative images are presented. Tables and charts are used to show the frequency and images of gladiole. The results of the study indicate that more than 753 various images and 396 original images appear in these works, and that images referring to relation between gladiole and flower, gladiole and cedar, gladiole and liberally, gladiole and face, gladiole and narcissus, gladiole and language, gladiole and smell, gladiole and ten languages, gladiole and silence and etc are respectively more frequent. Mavlana Rumi, Amirmoezi, Hassan Qaznavi, Qatran, Farokhi and Jami present the more original images of gladiole.

**Keywords:** Gladiole, Images, Original images, Imitative images, Persian poetry, Persian poets.

<sup>1</sup> Email: dr.ar\_nabiloo@yahoo.com



## ۱. مقدمه

یک تصویر شعری، از جهات مختلف قابل بررسی و پژوهش است و می‌توان آن را به تنهایی یا در ارتباط با سایر تصاویر بررسی نمود. تحقیق در تصاویر شعری - که نقطه مرکزی خیال آفرینی و ایماژ است - اهمیت ویژه‌ای دارد. خیال شاعرانه به کمک تصویر در برانگیختن عواطف و احساسات، نقش بسزایی دارد. «تصویر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را بگونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید یا می‌شنود. یک شعر غالباً با ساختن طرحی از تصویرها هیجان را برمی‌انگیزد، بگونه‌ای که خواننده آن اندازه که به وسیله احساسات تحریک می‌شود، تحت تأثیر معنای شعر واقع نمی‌گردد» (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۵۵). تصویر می‌تواند عناصری متضاد و ظاهراً بی‌ارتباط را کنار هم بنشانند، چنانکه درباره تصاویر سوسن خواهیم دید. «تصویر حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر است به وسیله کلمات در یک نقطه معین [...] قدرت تصویرسازی مهمترین قسمت قدرت تخیل است» (براهنی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۳). غرض از تصویر، تمام صورخیال و ایماژهایی است که می‌تواند به وسیله تخیل به کار گرفته شود تا نوآوری و ابداعی را ایجاد کند، هر چند اساس اغلب تصاویر خیال‌انگیز به قسمی بر تشبیه استوار است. «مرکز اغلب صورت‌های خیال که حاصل نیروی تخیل شاعر است، تشبیه است [...] صورت‌های دیگر خیال از قبیل تمثیل و استعاره و تشخیص و رمز و حتی گاهی کنایه و یا صورت‌های دیگر بیان که می‌توان با توسع معنی آنها را نیز در دایره تصویر قرار داد، در حقیقت از یک تشبیه پنهان یا آشکار مایه گرفته است» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۸۹). چنانکه گفته شد، تصویر و خیال‌پردازی شاعرانه یکی از مهمترین ارکان شعر است و تقریباً تمام منتقدان و پژوهشگران ادبیات این موضوع را تصدیق می‌نمایند؛ زیرا عنصر تصویر در موفقیت یا عدم توفیق یک شعر، بسیار مؤثر است. همچنین تصویر و تخیل، تمایز دهنده شعر از نظم است. «این تصرف ذهنی شاعر، در مفهوم طبیعت و انسان و این کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را «خیال» یا «تصویر» می‌نامیم و عنصر معنوی شعر، در همه زبان‌ها و در همه ادوار، همین خیال و شیوه تصرف ذهن شاعر در نشان دادن واقعیات

مادی و معنوی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۲). برای بررسی تصاویر شعری علاوه بر ارتباطها و تقسیم بندی‌های معمول، می‌توان به عناصر سازنده و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی نیز توجه کرد.

پیش از ورود به بحث اصلی، در نگاهی اجمالی، به تنوع تصاویر سوسن در شعر فارسی اشاره می‌شود. با توجه به محوری بودن تصویر سوسن و ویژگی‌های آن در ادوار شعر فارسی و همچنین به دلیل تنوع اغراض شاعران در استفاده از این مضمون، به نظر می‌رسد در انواع مختلف شعر نیز جلوه‌های متنوعی از سوسن در نگاه شاعران دیده می‌شود. مولوی که در غزل‌ها و مثنوی خود بیشترین تصویر را برای گل سوسن بیان کرده است، به رابطه آن با زبان گشادن، گفتن کرامت‌های مستان، زبان برون کردن، زبان اندر کشیدن، ستایش، مدح، غمازی، هجو و ثنا گفتن، صبوری و رازداری، سر تا سر زبان شدن و... توجه داشته است. در قصاید فارسی بیشتر به رابطه سوسن با دیگر عناصر طبیعت توجه شده است و نیز برای آن اوصاف انسانی مانند: زبان داشتن، آزادگی و لال بودن قایل شده‌اند؛ مثلاً امیر معزی و حسن غزنوی که هر یک تصاویر بیشتری نسبت به سایر قصیده سرایان برای سوسن ذکر کرده‌اند، به تصاویری نظیر: رابطه سوسن با آتش، ابراهیم، ایر، پری، تذرو، زبان آوری، خاموشی، مدح و سخن‌گویی، شکر کردن، راز گفتن و... اشاره کرده‌اند. در برخی اشعار دیگر برای سوسن، تصاویری نظیر: زبان، خوش‌زبانی، دو‌زبانی، ده‌زبانی، صد‌زبانی، خاموشی، الکن بودن، لال بودن، گنگی و... ذکر شده است که بر محور سخن گفتن و خاموشی دایر است. برخی شاعران با آوردن تصاویری مانند: تیغ خنده، گویای خموش، گونه توحید، دمیدن از سندان و... به آفرینش تصاویر مبتنی بر ترکیبات ادبی با گل سوسن دست زده‌اند که در نوع خود تازه و کم‌نظیر است؛ همچنین به ضرورت شکل و ساختار ظاهری گل سوسن، گاهی اوصاف خاصی نیز برای آن ذکر شده است. تصاویری که مرتبط با بناگوش و روی است؛ مانند: سوسن و عارض و چهره، خط رنگین، کلاله افکندن، رنگ رخسار، وقایه برگرفتن از پیش روی و... از سوی دیگر در شعر شاعرانی مانند نظامی و عطار، اوصافی ذکر شده که با شخصیت و احوال درونی آنها مرتبط است؛ مانند: تسبیح‌گویی، عیسی‌زبان، کف موسی، دعا

و ثنا گفتن، گوهر اسرار و... چنانکه گذشت برخی از ویژگی‌ها نیز در طول ادبیات فارسی درباره گل سوسن بارها تکرار شده است؛ مانند: زبان آوری، خاموشی، آزادگی و... .

### ۱-۱. بیان مسأله

در این پژوهش، تصاویر شعری گل سوسن در شعر ۵۳ تن از شاعران زبان و ادب فارسی، از رودکی تا پروین مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این گزینش سعی شده است از شعر تمام طبقات شاعران مشهور، سودجسته شود. با توجه به اینکه گل سوسن یکی از عناصر محوری در شعر فارسی است، نویسنده سعی کرده است با بررسی، دسته‌بندی و تحلیل تصاویر شعری آن، کیفیت و چگونگی این تصاویر را در گستره ادبیات فارسی نشان دهد. در این پژوهش، روش انجام کار به شکل کتابخانه‌ای، تحلیلی و آماری است. بعد از استخراج تمام واژه‌های سوسن و بسامدگیری و رعایت سیر تاریخی آن، تصاویر هر شاعر دسته‌بندی گردید و میزان بسامد تصویر سوسن در شعر هر شاعر بررسی شد؛ سپس سهم و جایگاه تصویر هر شاعر در کل تصاویر بررسی گردید. با تقسیم تصویر بر بسامد، قدرت تصویرگری هر شاعر در این مورد، معلوم گردید و از کلیشه‌ای‌ترین تصاویرها تا ابتکاری‌ترین آن، به شکل بسامدی دسته‌بندی شد تا تصاویر ابتکاری هر شاعر معلوم گردد. در نهایت، تصاویر به شکل موضوعی دسته‌بندی شد و با استفاده از تحلیل‌های علمی و آماری و جدول و نمودار، نتایج به شکل ملموس و عینی نشان داده شد. در این تحقیق، تقریباً تمام تصاویر خیال‌انگیز که حول محور سوسن در شعر فارسی پدید آمده، مد نظر قرار گرفته و استخراج شده و برای آنکه یک ارزیابی علمی به دست داده شود، نقش سوسن در این تصاویر از جهات مختلف بررسی گردیده است. لازم به ذکر است که در این انتخاب از شعر شاعران مختلف با سبک‌های متنوع استفاده شده، از شاعران طراز اول و مشهور تا شاعرانی با شهرت کمتر. این انتخاب از تنوع زیادی برخوردار است؛ مثلاً شاعران غزل‌سرا، قصیده‌سرا، مثنوی‌سرا و شاعران عارف، زاهد و دنیاگرا و انواع شعر غنایی، تعلیمی و... در این گزینش و پژوهش مد نظر بوده است. برخی از شاعران نظیر مولوی با ۳۵ تصویر، امیر معزی با ۲۷ تصویر، حسن غزنوی با ۲۶ تصویر، قطران با ۲۴ تصویر، فرخی با ۲۳

تصویر، جامی با ۱۹ تصویر و نظامی با ۱۷ تصویر بکر، ابتکاری‌ترین و تازه‌ترین تصاویر شعری را از سوسن پدید آورده‌اند.

### ۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی تصاویر شعری سوسن در ادبیات فارسی، به دلیل گستردگی دامنه آن، تنوع شاعران و نیز اهمیت جایگاه سوسن در شعر فارسی، بسیار مهم است. همانطور که در مطالعه محور عمودی شعر، بیت به عنوان محور افقی و کلیت و نظام شعر به عنوان محور عمودی بررسی می‌شود، ضروری می‌نماید تصاویر شعر فارسی نیز با این رویکرد بررسی شود. در این نوع پژوهش، شعر هر شاعر به تنهایی محور افقی تاریخ ادبیات فرض می‌شود و طول دوره تاریخ ادبیات و تقدّم و تأخّر زمانی شاعران، محور عمودی تلقی می‌گردد و به این شیوه، سیر و زندگی و بلاغت یک تصویر یا عنصر شاعرانه از آغاز شعر تا هر زمانی که مدّ نظر باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور هر بخش از صورخیال نظیر استعاره، تشبیه و کنایه قابل بررسی و سیر و تحلیل است و با معیارهای علمی و بسامدگیری مشخص و نتیجه بخش، به ارزیابی دقیقی در آن مورد می‌توان دست یافت. چنین جستجو و مطالعه‌ای در بردارنده مزایا و کاربردهای ارزنده‌ای است که از آن جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: کمک به تهیه «فرهنگ تصاویر شعری» که امکان مطالعه سیر یک تصویر را در طول تاریخ ادبیات فراهم می‌کند و میزان ابتکار و تقلید را در تصویرسازی شاعران نشان می‌دهد. این نوع بررسی تمام تصاویر ساخته شده شاعران را از یک موضوع، در یک جا کنار هم می‌نشانند و تحلیل و پژوهشی جامع را امکان پذیر می‌سازد. مقایسه (و مطالعه تطبیقی) با تصاویر مشابه سایر ملل بهتر محقق می‌شود. تصاویر ابتکاری و تقلیدی، پویا و عقیم و شاعران مقلد و مبتکر، در این نوع پژوهش قابل شناسایی هستند و بررسی تصاویر از منظرهای مختلف بلاغی، سبکی و نقادانه، با این نوع نگرش، بهتر انجام می‌شود.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

راجع به مطالعه تصاویر شعری شاعران، به تفکیک و جداگانه کارهای زیادی شده

است ولی تصاویر در محور عمودی تاریخ ادبیات فارسی یعنی پرورش و تکامل یا سیر نزولی و صعودی یک تصویر در طول تاریخ ادبیات فارسی چندان مورد توجه نبوده است. مثلاً در کتاب صورخیال در شعر فارسی محمدرضا شفیعی کدکنی، به بررسی تصاویر شعری شاعران پرداخته شده و به تفکیک، خوشه‌های خیال آنها، واکاوی گردیده است؛ همچنین در مقاله «تکامل یک تصویر» از ایشان، می‌توان سیر تحول یک تصویر را ملاحظه کرد؛ پایان‌نامه‌های متعددی توسط دانشجویان، در موضوع صورخیال شاعران نوشته شده است که هر یک نشانگر کیفیت تصویرسازی آن شاعران است؛ همچنین در سه مقاله «بررسی و تحلیل بسامد تصویر لاله در شعر فارسی» از علیرضا نبی‌لو (۱۳۸۸) و «بهشت در خیال شاعران» (۱۳۸۹) و «بررسی تصاویر شعری بلبل در ابیات فارسی» (۱۳۹۴) از همین نویسنده، به سیر شکل‌گیری تصاویر شعری لاله، بهشت و بلبل در شعر فارسی پرداخته شده است، ولی تا کنون درباره تصویر شعری سوسن در ادبیات فارسی با این گستردگی که در مقاله حاضر مد نظر بوده، کاری انجام نشده و این پژوهش، کاملاً تازه و بدیع است.

## ۲- بحث

### ۲-۱. تصویر سوسن در شعر فارسی

برای بررسی تصاویر سوسن و تحلیل آنها، باید میزان تصاویر آن را در شعر این شاعران مشخص کنیم تا جایگاه تصاویر و بسامد آنها دقیق‌تر تبیین گردد. از مجموع تکرار تصاویر سوسن در شعر این شاعران، ۷۵۳ تصویر ایجاد شده است. برخی از تصاویر را یک شاعر چند بار تکرار کرده و برخی تصاویر کمتر مورد توجه بوده است. هر کدام از شاعران به برخی تصاویر توجه بیشتری دارند و به برخی تصاویر تمایل و گرایش ندارند. با نگاهی به جدول شماره ۱، درمی‌یابیم که در طول تاریخ ادبیات فارسی، تقریباً تصویر سوسن در شعر اغلب شاعران حضور دارد. هم در رودکی و کسایی به عنوان نقطه آغاز این سیر، هم در شعر شاعران مدیحه‌گو نظیر فرخی و منوچهری. همچنین در منظومه‌های عاشقانه فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی و جامی نیز حضور این تصویر هویداست؛ مسعود سعد در زندان این تصاویر را فراموش نکرده است و سنایی، عطار و مولوی عرفان‌گرا نیز به آن

توجه داشته‌اند. همین طور در قالب‌های رباعی، دوبیتی، غزل، قصیده و مثنوی و... این تصویر حاضر است. مولوی بیشترین تصویرسازی را در این موضوع دارد و البته فردوسی در حماسه جایی برای تصویر سوسن باز نکرده و توجه چندانی به آن نداشته و ویژگی‌های سوسن را با فضای نبرد و جنگاوری سازگار ندانسته است. پس از بررسی میزان و تعداد تصاویر سوسن در شعر هر شاعر نسبت به کل تصاویر (۷۵۳ تصویر) در می‌یابیم که شاعرانی مانند: مولوی، امیر معزی، حسن غزنوی، قطران، فرخی، جامی و نظامی بیشترین بسامد از تصاویر ابتکاری سوسن را در اشعار خود آورده‌اند و این تصویر در شعر شاعرانی چون: فردوسی، عنصری، باباطاهر، خیام، فلکی، عراقی و سعدی کمترین نمود را دارد. در این بین، حدود ۹ درصد از کل تصاویر مورد بحث سوسن متعلق به مولوی است. از این بررسی معلوم می‌گردد که میزان کاربرد تصاویر سوسن از تنوع خاصی در اشعار برخوردار است. در اشعار حماسی نظیر شاهنامه فردوسی، تصویری از گل سوسن دیده نمی‌شود ولی در قصاید و اشعار غنایی، عرفانی و توصیفی میزان این تصاویر بسیار زیاد است.

## ۲-۲. دسته‌بندی بسامدی تصاویر متنوع سوسن در شعر فارسی

پس از بررسی ۷۵۳ تصویر، در می‌یابیم که برخی از تصویرهای سوسن، بیشتر مورد توجه شاعران قرار گرفته است و برخی کمتر. به عبارت دیگر، برخی تصاویر به حدی تکرار شده‌اند که حالت کلیشه‌ای و تقلیدی به خود گرفته‌اند؛ مثلاً ارتباط سوسن با گل در شعر ۳۲ تن از شاعران به کار رفته است و ارتباط سوسن با لاله در شعر ۲۳ تن دیده می‌شود. برخی از تصاویر نیز عقیم هستند و جذابیت لازم را نداشته‌اند تا غالب شاعران از آن استفاده نمایند و فقط در شعر یک شاعر ظهور کرده و سپس فراموش گردیده است. پس از کنار نهادن تکرار یک تصویر در شعر هر شاعر، از مجموع ۷۵۳ تصویر، ۳۹۶ تصویر نهایی از سوسن به دست می‌آید؛ یعنی تعداد تصاویر کلیشه‌ای و مکرر و تصاویر شاذ و نامکرر از سوسن، بعد از کنار نهادن و نادیده گرفتن تکرار آن در شعر هر شاعر، مجموعاً بیش ۳۹۶ مورد می‌شود که در این بخش ذکر می‌گردند. از حدود ۳۹۶ تصویر نهایی سوسن، ۳۲۳ تصویر (۸۱ درصد)، هر یک جداگانه و به تفکیک، تنها یکبار در شعر یک تن از شاعران



مورد بحث به کار رفته است. یعنی از مجموع تصویرهای سوسن، ۳۲۳ مورد نسبتاً ابتکاری و غیر تکراری است. تصاویری مانند سوسن و عاشق زار بهار، شرم، پرفتنه، سرافکندهگی و... از این زمره‌اند. همچنین تصاویری مانند: سوسن و گل، لاله، سرو، آزادی، نرگس، بو، ده زبانی، خاموشی و... از تکرار زیادی برخوردارند.

- «سوسن و گل»<sup>۱</sup> (در شعر ۳۲ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و لاله» (در شعر ۲۳ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و سرو»، «سوسن و آزادی»، «سوسن و رخ، عذار و چهره و عارض» (هر تصویر در شعر ۱۹ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و نرگس»، «سوسن و زبان» (هر تصویر در شعر ۱۷ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و بو» (در شعر ۱۳ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و ده زبان»، «سوسن و خاموشی» (هر تصویر در شعر ۱۲ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و آزادگی»، «سوسن و سنبل»، «سوسن و سمن و یاسمن»، «سوسن و بنفشه» (هر تصویر در شعر ۱۱ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و نسرين» (در شعر ۱۰ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و تری، طری و تازگی» (در شعر ۹ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و بندگی و غلامی» (در شعر ۸ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و چمن» (در شعر ۷ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و سفیدی»، «سوسن و سیر»، «سوسن و باغ» (هر تصویر در شعر ۶ شاعر به کار رفته است).

- «سوسن و تیغ»، «سوسن و شمشاد»، «سوسن و عبهر»، «سوسن و غنچه»، «سوسن و

دعا و ثنا گفتن»، «سوسن و بر»، «سوسن و زبان درازی»، «سوسن و صد زبان» (هر

تصویر در شعر ۵ شاعر به کار رفته است).

– «سوسن و تر زبانی و زبان تر»، «سوسن و بنا گوش»، «سوسن و مدح و مدح گفتن»، «سوسن و خیری»، «سوسن و مشک و گرد مشک» (هر تصویر در شعر ۴ شاعر به کار رفته است).

– «سوسن و خنجر»، «سوسن و عنبر و عنبر سارا»، «سوسن و صبا»، «سوسن و مه و ماه»، «سوسن و سوری»، «سوسن و سیسنبه»، «سوسن و سبزه»، «سوسن و ابراهیم و خلیل»، «سوسن و عاشق شدن»، «سوسن و گنگی»، «سوسن و لال بودن»، «سوسن و زبان آوری»، «سوسن و زبان بگشادن» (هر تصویر در شعر ۳ شاعر به کار رفته است).

– «سوسن و دو زبانی»، «سوسن و درازی زبان»، «سوسن و سخن گویی»، «سوسن و الکن بودن»، «سوسن و لب»، «سوسن و گریبان پاره شدن»، «سوسن و رعنائی»، «سوسن و زلف»، «سوسن و خار»، «سوسن و ریحان»، «سوسن و نسترن»، «سوسن و گاو آبی»، «سوسن و نارون»، «سوسن و شنبلید»، «سوسن و شکفته»، «سوسن و چکیدن قطره باران بر آن»، «سوسن و پروین و خوشه پروین»، «سوسن و باد»، «سوسن و آتش»، «سوسن و غالیه و حلقه غالیه»، «سوسن و بلبل»، «سوسن و طوطی»، «سوسن و زرد»، «سوسن و پری و پری زاده»، «سوسن و مه نیسان» (هر تصویر در شعر ۲ شاعر به کار رفته است).

– «سوسن و خوش زبانی / چند زبان داشتن / زبان دادن / ساز خوش زبانی کردن / نطق / سخن سرای / زبان کشیدن / رطب اللسان / به حدیث آمدن / لسن / به زبان آوردنش / زبان طعن در وی نهادن / زبان اعتذار گشادن / در سخن آمدن / گفتار / به زبان در سخن بودن / گفتن کرامت‌های مستان / زبان برون کردن / زبان اندر کشیدن / زبان دانی / زبان تیز / زبان بازی / سخنوری پُر فن / حدیث کردن / ابکم / زبان در کام کشیدن / زبان از قفا به در آوردن / کم گویی / ناگویایی / عاری از نطق بودن / زبان از قفا برآورده شدن / زبان بند / پا در گل / عاشق زار بهار / شرم / پنهان شدن اندر رضاب / خط سبز / پرفتنه / پا بر آن نهادن / رخ مداح / دمیدن بر کوه بنام تو / خط

رنگین / شاهد / کلاله افکندن / بیرق در آوردن / انهی / گوش / بنده شاه / چین زلف /  
 خستگی / یاری / گردن افشاندن از چهره اش / سجاده بر دوش افکندن / سرزنش  
 کردن / نیرنگ سازی / رنگ دیگر نمودن / چمان / پند دادن / یکرنگی / خط اهل  
 ثواب / سنان سازی / عیان کردن آلت زوبین / غم / رشک / عرق از حیا بر چهره  
 افتادن / رنگ رخسار / تو بر تو بودن / طفل به شیر / هم نفس با پسر دختر عمران /  
 سرزنش قایلان / قد بسته بودن (در بند) / رنجه داشتن / بر دوییدن / نیاسایدن از خنده /  
 شکر ایزد کردن / یکی گو / زنده نفس / امام حسن (ع) / راز گفتن با او / گواه بودن /  
 سرافکندگی / کام پر از در و زر / پیام / کمر زرین یافتن / آب او بردن / فرو خوانی /  
 حدیث لطف تو کردن با خود / عابد / زبان به مدح گویا / حیران ماندن / حرز مدح  
 بر زبان داشتن / متمایل بودن / مزاج / شیرخواره / شکر گفتن / به خون آلوده شدن /  
 نگار / گردن / نازکی / وقایه برگرفتن از پیش روی / سیم از دست آن چیدن / چشم  
 و دهن باز کردن / ساقی زیبا / فر / ازرق پوشی / رومیان / کنار پر عنبر / جعد غلامان  
 قیصری / مدحت گفتن / پرده دار داشتن / سفیدی مو / گوهر فروشی / از دهن آن بوی  
 شیر آمدن / در بند بودن / خبر افکندن از فتح شاه در عالم / دل / حربه کشیدن / خلق /  
 کبر / روی با جمال عرضه کردن / رنجه شدن پای / تن / مو / دانشمند خموش / گردن  
 کشیدن / غمین نبودن در نوروز / شرم / روی زرد / جامه نیلی پوشیدن / عزاداری / سر  
 او / صبوری و رازداری / پیکار / ستایش کسی / شاعر و مداح شدن / افسوس کردن /  
 غمازی / خون ریختن / مستی / هجو و ثنا گفتن / نادر بودن / خوبی و زیبایی / سرین  
 از بیرم کحلی کردن / مادر / پیغام گفتن / دست بر دست نهادن / حریر بافی / دست  
 به فتراک زدن / شوشه زر بر کف نهادن / سودن به توتیا / سر از بندگی تافتن / تسبیح  
 گوی / عیسی زبان / کف موسی / آب شرم در رخسار نبودن / از دامن تا گریبان  
 چاک برخاستن / دریغ خوردن / نوحه / تیزگوشی / شرمندگی / رعنا / تحسین کنان /  
 شمشیر زنی / قتل / جلوه گری / سر در آب بودن / حسرت / آب دادن / آب نماندن  
 در آن / شکسته (شکنج) / صنوبر / شکوفه / حمری / درخت / سمبیر / ژاله ها / منقش

کردن چمن / بری (دشت) / بوستان / بوستان سرا / خیری برفشان‌دن بر آن / صحرا / گل  
 زرد و سپید / ترنج / سیب / به خزان رستن / نرمی شاخه / زنبق / سرسبزی / گلشن / لاله  
 ستان / سوسن بر / سپست / خاک / مورد / آب / بیرون نیامدن از شوره / شوره زار /  
 برآمدن از گل / خاکستر / پیاز / خرمی / خرمن / نار (انار) / به بار آمدن / آبدار شدن /  
 مجمر / تیغ آب داده / کیسه تهی ماندن از لعل و زر / فرش ره / پرده / مصابیح / خنجر  
 بیژن / تاج / دیبه ازرق / ذوالفقار علی<sup>(ع)</sup> / زر حل کرده / کلک / حلقه زنجیر / قیر /  
 جوشن / یاقوت و عنبر / سیم و لاجورد و معصفر / نیل / ناچخی / نیزه جوشن‌گذار /  
 سوزن نمای / زر / درهای عدن / سیم / نقره خام / قدح / جام / مشک و سیم تافته /  
 وشی مزعفر / مینا / سندان / شمشیر / سوزن / باده / بستر / سیمین / زخم سنان / تیغ خنده /  
 زبان کشیدن چون تیغ / خطی از عنبر کشیدن / گویای خموش / لب / زبان نباتی / همه  
 اندام زبان شدن / سرتاسر زبان شدن / یک سر زبان بودن / همه تن زبان / سر تا پا زبان  
 بودن / سپهر آیین کردن بزم / تیغ زبان / زبان سبز شدن از خاموشی / گونه توحید /  
 گوهر اسرار / نفس مشکین / کبود کردن زبان به وصف باغ / در دهان داشتن ... صبا /  
 حریف جهان / سینه خار / روضه جان / بیان عشق بلبل و حسن گل / از سوسنی افتادن /  
 از خویش بیرون آمدن / جام لبن و معصفر از میان آن ریخته / گنبد دوار / پرسیدن  
 راز خاک از زبان او / از قفا بودن زبان / گره افکندن ژاله بر زبان او / طلایه خشم /  
 دمیدن از سندان / بالین تذر و دمیدن از روی نقره و پولاد / زر از دهن نمودن / غبار  
 زدودن ابر از چهره او / زبان درفشان / شاخ سیم و زر / تذر و مرغ صبح / ناف آهو /  
 دم طوطیک / دم طاوس / چنگک طاوس / افعی / لاف با بلبل / خیل / آهو / ابر / صاعقه /  
 نار (آتش) / صور فلکی / سوختن / ستاره / سیارات / تفضیل بوی آن بر مشک / خوش  
 نسیم / عبیر / کافور گون / مشک تبتی / چنبری از مشک / کافور بوی / عود / خلد  
 برین / اقبال و بخت / تحقیق / دین / نصرت / فضل / لطیف / معانی / سرخ / اخضر /  
 کافوری / یک روزه / آذر / بهمن / مشرق / ملک<sup>(ه)</sup> (هر تصویر در شعر ۱ شاعر به کار  
 رفته است).

### ۲-۳. تقسیم‌بندی موضوعی تصاویر گل سوسن

با توجه به اینکه سوسن گلی است با اوصاف و ویژگی‌های خاص، از زوایای مختلف مورد توجه شاعران قرار گرفته و توصیفات متنوعی از آن حاصل شده است. گاهی سوسن را با اوصاف و اعمال انسانی سنجیده‌اند و گاهی آن را با دیگر عناصر طبیعت و گاهی با اشیا بررسی و مقایسه کرده‌اند. در این بخش به این دسته‌بندی‌های موضوعی اشاره می‌شود:

#### ۲-۳-۱. سوسن و اوصاف و اعمال انسانی

«زبان/ خوش‌زبانی/ دو‌زبانی/ ده‌زبانی/ چند زبان داشتن/ زبان‌تر/ تر‌زبانی/ زبان دادن/ ساز خوش‌زبانی کردن/ صد زبان/ نطق/ سخن‌سرای/ زبان‌درازی/ زبان‌کشیدن/ زبان‌بگشادن/ رطب‌اللسان/ به‌حدیث‌آمدن/ لسین/ زبان‌آوری/ به‌زبان‌آوردنش/ زبان‌طعن‌در‌وی‌نهادن/ زبان‌اعتذار‌گشادن/ در‌سخن‌آمدن/ گفتار/ درازای‌زبان/ به‌زبان‌در‌سخن‌بودن/ گفتن‌کرامت‌های‌مستان/ زبان‌برون‌کردن/ زبان‌اندر‌کشیدن/ زبان‌دانی/ زبان‌تیز/ زبان‌بازی/ سخنوری‌پُر‌فن/ حدیث‌کردن/ سخن‌گویی/ ابکم/ خاموشی/ الکن‌بودن/ لال‌بودن/ زبان‌در‌کام‌کشیدن/ زبان‌از‌قفا‌به‌در‌آوردن/ کم‌گویی/ گنگ‌ماندن/ ناگویایی/ عاری‌از‌نطق‌بودن/ زبان‌از‌قفا‌بر‌آورده‌شدن/ زبان‌بند/ لب/ عاشق‌شدن/ پا‌در‌گل/ آزادگی/ عاشق‌زار‌بهار/ شرم/ پنهان‌شدن‌اندر‌رضاب/ خط‌سبز/ پرفتنه/ آزاد/ پا‌بر‌آن‌نهادن/ بر‌رخ‌مداح/ رخ‌و‌عذار‌و‌چهره‌دمیدن‌بر‌کوه‌بنام‌تو/ خط‌رنگین/ شاهد/ کلاله‌افکندن/ بیرق‌در‌آوردن/ انهی/ گوش/ بنده‌شاه/ چین‌زلف/ خستگی/ یاری/ گردن‌افشاندن‌از‌چهره‌اش/ سجاده‌بر‌دوش‌افکندن/ سرزنش‌کردن/ نیرنگ‌سازی/ رنگ‌دیگر‌نمودن/ گریبان‌پاره‌شدن/ چمان/ پند‌دادن/ یکرنگی/ خط‌اهل‌ثواب/ سنان‌سازی/ عیان‌کردن‌آلت‌زوبین/ غم/ بنا‌گوش/ رشک/ رعنائی/ عرق‌از‌حیا‌بر‌چهره‌افتادن/ رنگ‌رخسار/ تو‌بر‌تو‌بودن/ طفل‌به‌شیر/ هم‌نفس‌با‌پسر‌دختر‌عمران/ مدح‌گفتن/ سرزنش‌قایلان/ قد/ ثنا‌گفتن/ غلامی‌و‌بندگی/ بسته‌بودن‌(در‌بند)/ رنجه‌داشتن/ بردویدن/ نیاساییدن‌از‌خنده/ شکر‌ایزد‌کردن/ یکی‌گو/ زنده‌نفس/ امام‌حسن<sup>(ع)</sup>/ راز‌گفتن‌با‌او/ گواه‌بودن/ سرافکندگی/ کام‌پراز‌در‌و‌زر/ پیام‌کمر‌زرین‌یافتن/ آب‌او‌بردن/ فرو‌خوانی/ حدیث‌لطف‌تو‌کردن‌با‌خود/ ابراهیم‌و‌خلیل‌عابد/

زبان به مدح گویا/ حیران ماندن/ حرز مدح بر زبان داشتن/ متمایل بودن/ مزاج/ شیرخواره/ شکر گفتن/ به خون آلوده شدن/ نگار/ گردن/ نازکی/ وقایه برگرفتن از پیش روی/ سیم از دست آن چیدن/ چشم و دهن باز کردن/ ساقی زیبا/ فر/ ازرق پوشی/ رومیان/ کنار پر عنبر/ جعد غلامان قیصری/ مدحت گفتن/ پرده دار داشتن/ سفیدی مو/ گوهر فروشی/ از دهن آن بوی شیر آمدن/ در بند بودن/ خبر افکندن از فتح شاه در عالم/ دل/ حربه کشیدن/ خلق/ کبر/ روی با جمال عرضه کردن/ زلف/ رنجه شدن پای/ تن/ مو/ دانشمند خموش/ گردن کشیدن/ غمین نبودن در نوروز/ شرم/ روی زرد/ جامه نیلی پوشیدن/ عزاداری/ سر او/ صبوری و راز داری/ پیکار/ ستایش کسی/ شاعر و مداح شدن/ افسوس کردن/ غمازی/ خون ریختن/ مستی/ هجو و ثنا گفتن/ نادر بودن/ خوبی و زیبایی/ سرین از بیرم کحلی کردن/ مادر/ پیغام گفتن/ دست بر دست نهادن/ حریر بافی/ دست به فتراک زدن/ شوشه زر بر کف نهادن/ سودن به توتیا/ سر از بندگی تافتن/ تسبیح گوی/ عیسی زبان/ کف موسی/ آب شرم در رخسار نبودن/ از دامن تا گریبان چاک برخاستن/ دریغ خوردن/ نوحه/ تیز گوشه/ شرمندگی/ رعنا/ تحسین کنان/ شمشیر زنی/ قتل/ جلوه گری/ سر در آب بودن/ حسرت/ آب دادن/ آب نماندن در آن/ شکسته (شکنج)».

### ۲-۳-۲. سوسن و عناصر طبیعت

«گل و گل‌ها/ غنچه/ سرو/ لاله/ نرگس/ نسرين/ خار/ صنوبر/ شکوفه/ باغ/ بنفشه/ حمري/ درخت/ سمن و یاسمین/ سمندر/ سنبل/ عبهر/ ژاله‌ها/ ریحان/ منقش کردن چمن/ چمن/ سبزه/ نسترن/ سیسندر/ شمشاد/ نارون/ بری (دشت)/ بوستان/ بستان سرا/ خیری برفشاندن بر آن/ خیری/ شنبلیله/ صحرا/ سوری/ گل زرد و سپید/ ترنج/ سیب/ به خزان رستن/ نرمی شاخه/ زنبق/ سرسبزی/ گلشن/ لاله ستان/ سوسن بر/ سپست/ خاک/ مورد/ تازه بودن و تری و طری/ آب/ قطره باران چکیدن بر آن/ بیرون نیامدن از شوره/ شوره زار/ شکفته/ برآمدن از گل/ خاکستر/ پیاز/ خرمی/ خرمن/ سیر/ نار (انار)/ به بار آمدن/ آبدار شدن».

### ۲-۳-۳. سوسن و اشیاء

«مجمر/ تیغ آب داده/ کیسه تهی ماندن از لعل و زر/ فرش ره/ پرده/ مصابیح/ خنجر

بیژن / تاج / دیبه ازرق / ذوالفقار علی<sup>(ع)</sup> / زر حل کرده / کلک / تیغ / حلقه زنجیر / قیر / جوشن / یاقوت و عنبر / سیم و لاجورد و معصفر / نیل / ناچخی / نیزه جوشن گذار / سوزن نمای / خنجر / زر / درهای عدن / سیم / نقره خام / قدح / جام / مشک و سیم تافته / وشی مزعفر / مینا / سندان / شمشیر / سوزن / باده / بستر / سیمین / زخم سنان».

### ۲-۳-۴. سوسن و ترکیبات ادبی

«تیغ خنده / زبان کشیدن چون تیغ / خطی از عنبر کشیدن / گویای خموش / لب / زبان نباتی / همه اندام زبان شدن / سرتاسر زبان شدن / یک سر زبان بودن / همه تن زبان / سرتا پا زبان بودن / سپهر آیین کردن بزم / تیغ زبان / زبان سبز شدن از خاموشی / گونه توحید / گوهر اسرار / نفس مشکین / کیود کردن زبان به وصف باغ / در دهان داشتن ... صبا / حریف جهان / سینه خار / روضه جان / بیان عشق بلبل و حسن گل / از سوسنی افتادن / از خویش بیرون آمدن / جام لب و معصفر از میان آن ریخته / گنبد دوار / پرسیدن راز خاک از زبان او / از قفا بودن زبان / گره افکندن ژاله بر زبان او / طلایه خشم / دمیدن از سندان / بالین تذرو / دمیدن از روی نقره و پولاد / زر از دهن نمودن / غبار زدودن ابر از چهره او / زبان درفشان / شاخ سیم و زر».

### ۲-۳-۵. سوسن و حیوانات

«بلبل / تذرو / مرغ صبح / سینه باز / ناف آهو / طوطی / دم طوطیک / دم طاوس / چنگ طاوس / افعی / لاف با بلبل / خیل / گاو آبی / آهو».

### ۲-۳-۶. سوسن و عناصر فلکی

«خوشه‌های پروین و پروین / ماه و مه / صبا / باد و باد صبح / ابر / صاعقه / آتش / نار (آتش) / صور فلکی / سوختن / ستاره / سیارات».

### ۲-۳-۷. سوسن و عطریات

«تفضیل بوی آن بر مشک / خوش نسیم / بو / عبیر / کافور گون / عنبر و نسیم عنبر و عنبر سارا / مشک تبتی / گرد مشک و مشک / چنبری از مشک / کافور بوی / عود / غالیه و حلقه‌های غالیه».

**۲-۳-۸. سوسن و مفاهیم غیر مادی**

«خلد برین / پری و پریزاده / اقبال و بخت / تحقیق / دین / نصرت / فضل / لطیف / معانی».

**۲-۳-۹. سوسن و رنگ‌ها**

«سرخ / سفیدی / زرد / اخضر / کافوری».

**۲-۳-۱۰. سوسن و زمان**

«یک روزه / آذر / مه نیسان / بهمن».

**۲-۳-۱۱. سوسن و مکان**

«مشرق / ملک».

چنانکه دیده می‌شود سوسن و اوصاف انسانی ۵۰ درصد، سوسن و عناصر طبیعت ۱۵/۵ درصد، سوسن و اشیا ۱۰ درصد، سوسن ترکیبات ادبی ۹/۵ درصد، سوسن و حیوانات ۳/۵ درصد، سوسن و عناصر فلکی ۳ درصد، سوسن و عطریات ۳ درصد، سوسن و مفاهیم غیرمادی ۲/۵ درصد، سوسن و رنگ‌ها ۱/۵ درصد، سوسن و زمان ۱ درصد، سوسن و مکان ۰/۵ درصد از تصاویر را شامل می‌شوند. با دقت در موارد فوق و نمودار شماره ۲، مشخص می‌شود که بیشترین تصاویر سوسن با اوصاف و اعمال انسانی، عناصر طبیعت، اشیا و ترکیبات ادبی گره خورده است و سایر موضوعات در این تصویرسازی کم‌رنگ‌تر هستند.

**۲-۴. تصاویر ابتکاری هر شاعر از سوسن**

منظور تصاویری است که در شعر هر شاعر برای اولین بار آمده و در شعر شاعران پیش از او سابقه ندارد. هر کدام از شاعران مورد بحث، به جنبه‌های متفاوتی از سوسن پرداخته‌اند. با توجه به اینکه در قرن‌های نخستین به امور محسوس و طبیعت‌تلفات زیادی می‌شد، بیشتر شاعران این دوره تصاویر بدیعی از سوسن را در شعر خود آورده‌اند. رودکی سوسن را با بناگوش، رشک و مورد تصویر کرده است. فرخی رابطه سوسن را با لب، آزادگی، چهره، چشم و دهن باز کردن و... دیده است و هر شاعری تصویری به تصاویر سوسن افزوده است. البته هستند شاعرانی نظیر فردوسی، باباطاهر، خیام، فلکی، عراقی،



فروغی و فرخی یزدی که تصویری بر تصاویر پیشینیان از سوسن نیفزوده‌اند و احیاناً از تصاویر بیان شده دیگران استفاده کرده‌اند. تصاویر ابتکاری هر شاعر از سوسن به ترتیب تاریخی زمان حیات شاعران ذکر می‌شود تا امکان مقایسه و بررسی شاعران مبتکر و تصاویر ابتکاری در طول تاریخ ادبیات فارسی بهتر نمایانده شود:

۱. **رودکی:** بناگوش / رشک / مورد (۳ بار)؛ ۲. **کسایی:** گوهر فروشی / پروین و خوشه پروین / مشک و گرد مشک / لطیف (۴ بار)؛ ۳. **فردوسی:** (۱۰ بار)؛ ۴. **فرخی:** لب / آزادگی / رخ، چهره و عارض / وقایه بر گرفتن از پیش روی / سیم از دست آن چیدن / چشم و دهن باز کردن / ساقی زیبا / گل / سرو / لاله / نرگس / نسرین / سنبل / خیری / شنبلید / صحرا / بو / عود / سیمین / سینه باز / سفیدی / زرد / مه نیشان (۲۳ بار)؛ ۵. **عنصری:** سرخی (۱ بار)؛
۶. **منوچهری:** سرین از بیرم کحلی کردن / باغ / سمن و یاسمن / شمشاد / طری، تری و تازگی / قطره باران چکیدن از آن / شکفته / کافور بوی / دیبه ازرق / طوطی / دم طوطیک / دم طاووس / چنگ طاووس / جام لبن و معصفر از میان ریخته / گنبد دوار / شاخه از سیم و زر آلوده شدن / نگار / گردن / نازکی / خیری بر افشاندن بر آن / شوره زار / مه و ماه / بستر (۱۱ بار)؛
۹. **قطران:** لال بودن / کنار پر عنبر / جعد غلامان قیصری / مدحت گفتن / عبهر / گل زرد و سفید / ترنج / سیب / سوسن بر / نار (انار) / صاعقه / عنبر و عنبر سارا / غالیه و حلقه‌های غالیه / وشى مزعفر / مینا / سندان / شمشیر / سوزن / کافوری / فضل / نفس مشکین / دمیدن از روی نقره و پولاد / غبار زدودن ابر از چهره او / زبان درفشان (۲۴ بار)؛ ۱۰. **ناصر خسرو:** مادر / بنفشه / پیاز / سیر / صورفلکی / خنجر بیژن / تاج (۷ بار)؛ ۱۱. **ابوالفرج رونی:** خوش زبانی / عاشق شدن / پا در گل (۳ بار)؛ ۱۲. **باباطاهر:** (۱۰ بار)؛ ۱۳. **مسعود سعد:** ده زبانی / خلق / کبر / روی با جمال عرضه کردن / زلف / رنجه شدن پای / تن / آب نماندن در آن / چمن / به خزان رستن / به بار آمدن / نار (آتش) / چنبری از مشک / بهمن (۱۴ بار)؛ ۱۴. **معزی:** آتش / پنهان شدن اندر رضاب / خلیل و ابراهیم / پا بر آن نهادن / رخ مداح / دمیدن بر کوه به نام تو / خار / صنوبر / شکوفه / حمری / درخت / بیرون نیامدن از شوره / خرمن / ابر / تفضیل بوی آن بر مشک / عبیر / کافورگون / حلقه زنجیر / قیر / جوشن / یاقوت و عنبر / تذرو / پری و پری

زاده / طلایه خشم / دمیدن از سندان / بالین تذرو / آذر (۲۷ بار)؛ ۱۵. **خیام**: (۰ بار)؛

۱۶. **عمیق**: (۰ بار)؛ ۱۷. **سنایی**: زبان / کم گویی / گنگی / رعنایی / بندگی و غلامی / بر دیدن / نیاساییدن از خنده / سیسنبر / گاو آبی / آهو / سپست / اقبال و بخت / تحقیق / دین (۱۴ بار)؛

۱۸. **حسن غزنوی**: زبان آوری / سخن گویی / خاموشی / مدح و مدح گفتن / شکر ایزد کردن / یکی گوی / زنده نفس / امام حسن<sup>(ع)</sup> / راز گفتن با او / گواه بودن / سرافکنندگی / کام پر از در و زر / پیام / کمر زرین یافتن / بوستان / آب / باد / خنجر / زر / سیم / نقره خام / قدح / جام / باده و می / همه اندام زبان شدن / سپهر آیین کردن بزم (۲۶ بار)؛ ۱۹. **قوامی**: پرده دار داشتن / سفیدی مو (۲ بار)؛ ۲۰. **انوری**: صد زبان / تر زبان و زبان تر / نطق / سخن سرا / ابکم / انهی / گوش / بنده شاه / حسرت / مشک تبتی / ناچخی / بلبل / ملک (۱۳ بار)؛

۲۱. **مجیر**: دو زبانی / الکن بودن / از دهن آن بوی شیر آمدن / در بند بودن / خبر افکندن از فتح شاه در عالم / دل / حربه کشیدن / زر حل کرده / تیغ / در دهان داشتن ... صبا / حریف جهان / سینه خار / زر از دهن نمودن (۱۳ بار)؛ ۲۲. **فلکی**: (۰ بار)؛ ۲۳. **خاقانی**: پند دادن / یکرنگی / خط اهل ثواب / سنان سازی / عیان کردن آلت زوین / غم / سبزه / خاک / نیزه جوشن گذار / سوزن نمای / خطی از عنبر کشیدن (۱۱ بار)؛ ۲۴. **نظامی**: زبان درازی / زبان تیز / زبان بند / دست بر دست نهادن / حریربافی / دست به فتراک زدن / شوشه زر بر کف نهادن / سودن به توتیا / سر از بندگی تافتن / تسیح گوی / عیسی زبان / کف موسی / سمندر / پرده / مصاییح / افعی / یک روزه (۱۷ بار)؛ ۲۵. **عطار**: در سخن آمدن / دعا و ثنا گفتن / شیرخواره / شکر گفتن / گوهر اسرار (۵ بار)؛ ۲۶. **مولوی**: زبان گشادن / لسین / گفتن کرامت‌های مستان / زبان برون کردن / زبان اندر کشیدن / بسته بودن / سر او / صبوری و راز داری / پیکار / ستایش کسی / مداح و شاعر شدن / افسوس کردن / غمازی / خون ریختن / مستی / هجو و ثنا گفتن / نادر بودن / خوبی و زیبایی / غنچه / ریحان / نسترن / سرسبزی / بر آمدن از گل / خاکستر / آبدار شدن / صبا / ذوالفقار علی<sup>(ع)</sup> / ناف آهو / اخضر / معانی / سر تا سر زبان شدن / روضه جان / بیان عشق بلبل و حسن گل / از سوسنی افتادن / از خویش بیرون آمدن (۳۵ بار)؛ ۲۷. **عراقی**: (۰ بار)؛ ۲۸. **سعدی**: زبان در کام کشیدن (۱ بار)؛ ۲۹. **سیف**: به زبان آوردنش / ناگویایی / آب او بردن (۳ بار)؛ ۳۰. **امیر خسرو**: عاشق زار بهار / شرم / سوختن /

... (۴ بار)؛ **۳۱. اوحدی:** خط سبز / پُر فتنه / خط رنگین / شاهد / کلاله افکندن / بیرق در آوردن / سر در آب بودن / ستاره / سیارات / خوش نسیم / سیم و لاجورد و معصفر (۱۱ بار)؛

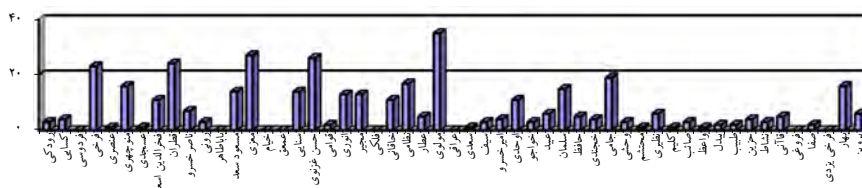
**۳۲. خواجو:** زبان کشیدن / درازی زبان / گویای خموش (۳ بار)؛ **۳۳. عبید:** زبان به مدح گویا / حیران ماندن / حرز مدح بر زبان داشتن / متمایل بودن / مزاج / نصرت (۶ بار)؛

**۳۴. سلمان ساوجی:** زبان دادن / رطب اللسان / به حدیث آمدن / زبان از قفا در آوردن / گریبان پاره شدن / عرق از حیا بر چهره افتادن / رنگ رخسار / تو بر تو بودن / طفل به شیر / هم نفس با پسر دختر عمران / سرزنس قایلان / قد / رنجه داشتن / نارون / ... (۱۵ بار)؛

**۳۵. حافظ:** سجاده بر دوش افکندن / سرزنش کردن / مرغ صبح / خلد برین / زبان کشیدن چون تیغ (۵ بار)؛ **۳۶. کمال خجندی:** زبان طعن در وی نهادن / فروخوانی / درهای عدن / حدیث لطف تو کردن با خود (۴ بار)؛ **۳۷. جامی:** ساز خوش زبانی کردن / سخنوری پر فن / حدیث کردن / تیز گوشی / شرمندگی / رعنا / تحسین کنان / شمشیر زنی / قتل / جلوه گری / سوری / خرمی / کیسه تهی ماندن از لعل و زر / فرش ره / زبان نباتی / همه تن زبان / از قفا بودن زبان / گره افکندن ژاله بر زبان او / زخم ستان (۱۹ بار)؛ **۳۸. وحشی:** نوحه / تیغ آب داده / لاف با بلبل (۳ بار)؛ **۳۹. محتشم:** به زبان در سخن بودن (۱ بار)؛ **۴۰. نظیری:** زبان بازی / آب شرم در رخسار نبودن / از دامن تا گریبان چاک برخاستن / دریغ خوردن / یک سر زبان بودن / پرسیدن راز خاک از زبان او (۶ بار)؛ **۴۱. کلیم:** کبود کردن زبان به وصف باغ (۱ بار)؛ **۴۲. صائب:** بستان سرا / تیغ زبان / زبان سبز شدن از خاموشی (۳ بار)؛ **۴۳. واعظ:** مجمر (۱ بار)؛ **۴۴. بیدل:** نیل / تیغ خنده (۲ بار)؛ **۴۵. طیب:** زبان به اعتذار گشادن / عابد (۲ بار)؛ **۴۶. حزین:** نیرنگ سازی / رنگ دیگر نمودن / چمان / آب دادن (۴ بار)؛

**۴۷. نشاط:** زبان دانی / پیغام گفتن / گلشن (۳ بار)؛ **۴۸. قانعی:** عاری از نطق / فر / ازرق پوشی / رومیان / سر تا پا زبان بودن (۵ بار)؛ **۴۹. فروغی:** (۰ بار)؛ **۵۰. صفا:** مشک و سیم تافته / گونه توحید (۲ بار)؛ **۵۱. فرخی یزدی:** (۰ بار)؛ **۵۲. بهار:** چند زبان داشتن / زبان از قفا بر آورده شدن / مو / دانشمند خموش / گردن کشیدن / روی زرد / غمین نبودن از نوروز / جامه نیلی پوشیدن / عزاداری / شکسته (شکنج) / بری (دستی) / زنبق / نرمی شاخه / کلک /

خیل / مشرق (۱۶ بار)؛ **۵۳. پروین**: چین زلف / خستگی / یاری / گرد افشاندن از چهره / ژاله / منقش کردن چمن (۶ بار).



نمودار شمارة ۱: بسامد تصاویر ابتکاری هر شاعر از سوسن

برای نمونه به چند بیت از شاعران مورد بحث که حاوی تصاویر سوسن است، اشاره می‌شود:<sup>۲</sup>

سوسن سیمین، وقایه برگرفت از پیش روی / نرگس مشکین، عصابه برگرفت از گرد سر  
(فرخی، ۱۳۸۰: ۱۸۸)

ایا سوسن بناگوشی که داری / به رشک خویشتن هر سوسنی را  
(رودکی، ۱۳۸۲: ۲۹۴)

وان گل سوسن مانده جامی ز لب / ریخته معصفر سوده میان لبنا  
(منوچهری، ۱۳۷۵: ۱)

چون روی منیژه شد گل سوری / سوسن به مثل چو خنجر بیژن  
(ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۳۲۷)

شکر ایزد همی کند سوسن / آن یکی گوی ده زبان نگرید  
(غزنوی، ۱۳۶۲: ۶۸)

هر کار که گردون نه به فرمان تو سازد / هیئات که ناساخته چون سوسن و سیر است  
(انوری، ۱۳۷۶: ۷۳)

نه با یاران کمر بندم چو غنچه / نه بر خصمان سنان سازم چو سوسن  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۱۸)

به بلبل گفت گل بنگر به سوی سوسن اخضر که گرچه صد زبان دارد صبور و راز دار آمد  
(مولوی، ۱۳۵۵: ۱۶۸)

آمد بهار خرم و رحمت نثار شد سوسن چو ذوالفقار علی آبدار شد  
(همان، ۱۳۷۸: ۲۴۷)

خود گرفتم کافکنم سجاده چون سوسن به دوش هم چو گل بر خرقة رنگ می مسلمانی بود  
(حافظ، ۱۳۶۹: ۱۴۵)

پرده سوسن که مصایح تست جمله زبان از پی تسبیح تست  
(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۰)

با دقت در نمودار شماره ۱ در می‌یابیم که مولوی با ۳۵ تصویر (۹ درصد)، امیر معزی با ۲۷ تصویر (۷ درصد)، حسن غزنوی با ۲۶ تصویر (۶/۵ درصد)، قطران با ۲۴ تصویر (۶ درصد)، فرخی با ۲۳ تصویر (۵/۵ درصد) از تصاویر سوسن، در بین شاعران مورد بحث، بیشترین تصاویر بکر را دارند و شاعرانی نظیر: فردوسی، عنصری، عطار، عراقی، سعدی، صائب و بیدل - با وجود مهارت و قدرت تصویرگری - تصاویر ابتکاری زیادی در این موضوع به دست نداده‌اند. البته طبیعی می‌نماید که شاعران متقدم‌تر به دلیل آنکه زودتر در تاریخ ادبیات ظهور کرده‌اند، امکان آوردن تصاویر ابتکاری بیشتری نسبت به شاعران بعدی داشته‌اند.

## ۲-۵. پیوند عناصر دستوری و بلاغی در تصویر گل سوسن

در تصویرسازی شاعران، عناصر دستوری با عناصر بلاغی گره می‌خورند و بسیاری از ابیات شاعران به‌واسطه همین اشتراک و همراهی دستور و بلاغت از زبان عادی متمایز می‌شوند و تشخیص خاصی در زبان آنها پدید می‌آید. این تصویرسازی ممکن است در سطح جمله گسترده شود و روابط نحوی کلمات را در سطح جمله تحت تأثیر قرار دهد؛ همچنین ممکن است در سطح گروه کلمات یا عبارات و واژگان دیده شود. آنچه مسلم است در این رابطه، سطح عادی زبان کنار زده می‌شود و با گشتارهای نحوی و بلاغی مختلف، سطح ژرف ساخت به روساخت تبدیل می‌شود. در این امر، اصل با وجوه بلاغی

و ساختارهای بلاغی است اما از آنجا که این ساختارها در زبان و گزاره‌های زبانی قرار داده می‌شوند، حتماً در ساختار آنها نیز تأثیر می‌گذارند و نمی‌توان زبان را در ساختار دستوری و ساختار بلاغی از هم جدا کرد و کاملاً این دو بعد زبانی با هم آمیخته می‌شوند و در تصویرسازی و آفرینش تخیل شاعر نقش مهمی را ایفا می‌کنند. ممکن است این رابطه از طریق اسناد مجازی و استعاره مکنیه یا تشخیص در سطح جمله پیش برود یا ممکن است از طریق آوردن صفت هنری، ساختار جدید ایجاد شود یا از طریق بهره‌گیری از سایر ظرفیت‌های بلاغی زبان این امر به وجود بیاید.

به عنوان نمونه به برخی از تصویرسازی‌های گل سوسن در شعر شاعران می‌پردازیم و روابط دستوری کلمات را در این ابیات بررسی می‌کنیم تا مشخص شود که چگونه ساختار دستوری زبان با ساختار بلاغی و تصویرگری پیوند می‌خورند و چه عناصری در این بین بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. البته ممکن است متناسب با سبک زبانی و بلاغی هر شاعر، این امر متمایز و متفاوت شود ولی غالباً ابزارهایی که استفاده می‌شوند، ابزارهای مشترکی هستند:

سوسن سیمین، وقایه برگرفت از پیش روی نرگس مشکین، عصابه برگرفت از گرد سر  
(فرخی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

چنان که می‌بینیم، صفت «سیمین» برای «سوسن» آورده شده، در حالی که این صفت، واقعی نیست. از نظر زبانی این یک ترکیب واقعی نیست؛ زیرا سوسنی که از جنس سیم و نقره باشد، در طبیعت سراغ نداریم ولی از نظر بلاغی به عنوان یک صفتی که به شکل غیرواقعی به این گل نسبت داده شده است، می‌توان آن را پذیرفت و طبیعتاً سفید بودن وجه ارتباطی این موصوف و صفت است. از نظر دستوری اگرچه می‌دانیم این صفت واقعی نیست اما رابطه «سوسن» و «سیمین»، موصوف و صفت دستوری است؛ بنابراین یک ترکیب غیرواقعی اما دستورمند ایجاد شده است. همچنین «وقایه برگرفتن از پیش روی» در عالم واقع هیچ ارتباطی با گل سوسن ندارد و این یک گزاره ادبی است که از طریق اسناد مجازی و استعاره مکنیه پدید آمده است، در عین حال وقتی می‌خواهیم نقش دستوری

کلمات را مشخص کنیم «وقایه» به عنوان مفعول برای «گل سوسن» در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که واقعاً چنین چیزی وجود ندارد و این به دلیل تأثیر ساختار بلاغی گزاره‌های ادبی است که تحلیل دستوری آنها باید با توجه به تمام جوانب انجام شود؛ یعنی، این روابط در عالم واقع هیچ‌گاه درست نیست اما در ساحت زبان ادبی کاملاً پذیرفتنی است.

ایا سوسن بناگوشی که داری به رشک خویشان هر سوسنی را  
(رودکی، ۱۳۸۲: ۲۹۴)

در این بیت، رودکی مخاطب را به‌عنوان «سوسن بناگوش» یاد می‌کند که کاملاً ساختاری هنری است و از مسند و مسندالیه مقلوب پدید آمده است؛ یعنی، «بناگوش»، «سوسن» است (یا بناگوش از سوسن است) و بعد از حذف اجزاء دیگر و جابه‌جا کردن عناصر اصلی، آن را به «سوسن بناگوش» تبدیل کرده است. در اینجا نیز رابطه بلاغت و دستور دیده می‌شود؛ زیرا بین «سوسن» و «بناگوش» رابطه شباهت وجود دارد. در مصراع دوم «سوسن» در معنای واقعی خود به کار رفته است اما شاعر عواطف و احساسات دیگر یعنی رشک و حسادت را به او نسبت داده است و به این واسطه باز گل سوسن از معنای اصلی خود دور می‌شود و این گزاره نیز یک گزاره ادبی می‌شود که از طریق اسناد مجازی و استعاره مکنیه شکل گرفته است.

وان گل سوسن ماننده جامی ز لبن ریخته معصفر سوده میان لبنا  
(منوچهری، ۱۳۷۵: ۱)

در این بیت با تصویرسازی دیگری، بین گل سوسن واقعی و گل سوسن ادبی رابطه برقرار شده و این رابطه از طریق ساختار بلاغی در ساختار دستوری تأثیرگذار شده است. «گل سوسن» مانند «جامی از شیر» فرض شده که داخل آن معصفر ساییده، ریخته شده است. در اینجا شاعر با تشبیهی که ایجاد کرده، میان گل سوسن در معنای واقعی و ساختار بلاغی آن فاصله ایجاد کرده و مانند استعاره، این همانی کامل احساس نمی‌شود. در عین حال، از نظر دستوری اگر ریخته را فعل مجهول بدانیم یا فعل معلوم، ساختار دستوری بیت را تحت تأثیر قرار می‌دهیم. همچنین اگر برای ریخته غیر از گل سوسن، نهاد دیگری فرض

کنیم، باز این ساختار متفاوت‌تر خواهد شد. بنابراین، اگر گل سوسن به عنوان نهاد دانسته شود، «معصفر سوده» مفعول خواهد بود. اگر برای ریخته نهاد دیگری قائل شویم، مصراع اول به جمله اسنادی تبدیل می‌شود و «گل سوسن» نهاد مسندالیه‌ای می‌شود.

چون روی منیژه شد گل سوری سوسن به مثل چو خنجر بیژن  
(ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۳۲۷)

در این بیت نیز ناصرخسرو از طریق تشبیه، بین گل سوسن واقعی و ساختار ادبی ذهنی خود رابطه برقرار کرده و «سوسن» را به «خنجر بیژن» تشبیه می‌کند که در این شباهت قطعاً شکل برگ گل سوسن نیز مورد نظر شاعر بوده و از این طریق، ساختار بلاغی به ساختار دستوری تبدیل شده است و سوسن را باید نهاد مسندالیه‌ای در نظر گرفت.

شکر ایزد همی کند سوسن آن یکی گوی ده زبان نگرید  
(غزنوی، ۱۳۶۲: ۶۸)

شاعر در این بیت به گل سوسن از طریق اسناد مجازی و استعاره مکنیه، شکرگزاری ایزد را نسبت می‌دهد و در مصراع دوم برای آن از اوصاف ادبی «یکی گوی ده زبانی» یاد می‌کند. در این جا نیز ساختار دستوری بدون توجه به ساختار بلاغی قابل بررسی نیست؛ زیرا سوسن به عنوان نهاد، شکرگزاری می‌کند و در مصراع بعد به جای گل سوسن به عنوان موصوف، صفات دیگری جایگزین شده است. همچنین در این ساختار یک نوع تضاد و تناقضی احساس می‌شود که از طریق یکی گفتن و ده زبان بودن ایجاد شده است. هر چند می‌دانیم که این تصویرسازی‌ها درباره گل سوسن با واقعیت مطابقت ندارد ولی نهایتاً نقش‌های دستوری آنها را می‌پذیریم.

هر کار که گردون نه به فرمان تو سازد هیهات که ناساخته چون سوسن و سیر است  
(انوری، ۱۳۷۶: ۷۳)

در این بیت از کنار هم نشستن «سوسن» و «سیر» طبق سنت ادبی، تصویر دیگری ایجاد شده است، هر چند هیچ رابطه شباهت یا استعاری وجود ندارد؛ یعنی صرفاً از طریق مجاورت دو کلمه «سوسن» و «سیر»، گزاره ادبی ایجاد شده و این امر از آنجا نشئت گرفته



که سوسن و سیر با هم ناسازگار هستند؛ زیرا، سیر بو و رایحه خوشایندی ندارد و طبیعتاً در کنار سوسن نباید آورده شود. پس در اینجا از طریق کنار هم نشستن دو کلمه که ظاهراً ارتباط چندانی با هم ندارند، ساختار بلاغی خاصی ایجاد شده که از طریق مجاورت، عطف دستوری و همنشینی دو واژه کنار همدیگر، پدید آمده است. بنابراین، می‌توان فارغ از مباحث بلاغی دیگر گاهی از طریق کنار هم نشاندن دو کلمه تصویر جدیدی ایجاد کرد، به گونه‌ای که این تصویر در سطح کل جمله گسترش یابد.

نه با یاران کمر بندم چو غنچه      نه بر خصمان سنان سازم چو سوسن  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۱۸)

خاقانی در این بیت برای سوسن، ویژگی‌هایی قائل می‌شود و از طریق این عناصر بلاغی، ساختار دستوری بیت را پیش می‌برد. از طریق تشبیه و اسناد مجازی، به سوسن، سنان سازی را نسبت می‌دهد یعنی ابتدا خود را به سوسن تشبیه کرده و از این طریق بر خصمان، سنان سازی می‌کند. «خاقانی» در اینجا به عنوان نهاد، و «سوسن» به عنوان متمم دیده می‌شود (از طریق ادات تشبیه چو، که حرف اضافه نیز هست) و «بر خصمان سنان ساختن»، پایان دهنده جمله و گزاره است.

به بلبل گفت گل بنگر به سوی سوسن اخضر      که گرچه صد زبان دارد صبور و راز دار آمد  
(مولوی، ۱۳۵۵: ۱۶۸)

مولوی در این بیت ابتدا برای گل سوسن صفت «اخضر» را می‌آورد که با توجه به سنت ادبی، یک ترکیب جدیدی است. «سوسن اخضر» موصوف و صفت است که مسبوق به سابقه نیست؛ زیرا برای سوسن، بیشتر رنگ سفید را می‌آوردند. این ترکیب در واقع وجود ندارد و ترکیبی واقع‌گرایز است اما از نظر دستوری یک موصوف و صفت است. سپس مولوی صد زبان داشتن و صبور و رازدار بودن را به عنوان ویژگی‌های دیگری برای گل سوسن ذکر می‌کند. این گزاره، مجاز عقلی یا استعاره مکنیه نیز هست؛ بنابراین، در این جا نیز پیوند ساختار بلاغی و دستوری از طریق صفت هنری، تناقض و تضاد و البته اسناد مجازی و استعاره مکنیه ایجاد شده است.

آمد بهار خرم و رحمت نثار شد سوسن چو ذوالفقار علی آبدار شد  
(همان، ۱۳۷۸: ۲۴۷)

در مصراع دوم ابتدا سوسن به «ذوالفقار حضرت علی<sup>(ع)</sup>» تشبیه شده و سپس ویژگی «آبدار بودن» برای آن ذکر شده که از ویژگی‌های شمشیر نیز هست. مولوی از طریق تشبیه بین ساختار بلاغی و دستوری پیوند ایجاد کرده است (سوسن = نهاد؛ چو = حرف اضافه که ادات تشبیه نیز هست؛ ذوالفقار = متمم و آبدار = مسند).

خود گرفتم کافکنم سجاده چون سوسن به دوش هم چو گل بر خرقة رنگ می‌مسلمانی بود  
(حافظ، ۱۳۶۹: ۱۴۵)

حافظ در این بیت بین خود و سوسن رابطه مشابهت برقرار می‌کند و سپس سجاده به دوش افکندن را به عنوان وجه شبه مشترک این شباهت بیان می‌کند. کاملاً پیداست که شاعر از طریق ایجاد این رابطه بین خود و گل سوسن و سپس بیان ویژگی سجاده بر دوش افکندن - که یک ویژگی غیر واقعی برای گل سوسن است - مضمون سازی کرده و از این طریق، ساختار بلاغی و دستوری بیت شکل گرفته است. (سجاده = مفعول، سوسن = متمم) هر چند می‌دانیم که سجاده بر دوش افکندن هیچ ارتباطی با گل سوسن ندارد.

## نتیجه

هدف این مقاله، پژوهش پیرامون تصاویر شعری متعدّد و متنوّع سوسن بود، با این هدف که به سیر یک تصویر در ادوار مختلف شعر فارسی و در طول محور عمودی تاریخ ادبیات فارسی نگریسته شود؛ زیرا بیشتر مطالعات ادبی ما، مقطعی و به شکل بررسی محور افقی تاریخ ادبیات فارسی (یعنی شاعر خاص در یک دوره خاص) است. در این پژوهش تقریباً تمام تصاویر سوسن در شعر ۵۳ شاعر - از رودکی تا پروین - بررسی و دسته‌بندی شد. از اهداف این تحقیق، نشان دادن تصاویر ابتکاری و تقلیدی شاعران و نوع و میزان تصاویر ارائه شده آنان از سوسن بود. این پژوهش می‌تواند معرف مدخلی از «فرهنگ تصاویر شعر فارسی» باشد که از مزایای بسیاری برخوردار است. روش کار به شکل کتابخانه‌ای و تحلیلی با بهره‌گیری از جدول‌ها و نمودارهای آماری است که با بررسی بسامدی تصاویر سوسن آغاز می‌گردد و جایگاه تصاویر سوسن هر شاعر در کل تصاویر و نسبت هر تصویر بر کل تصاویر نشان داده می‌شود و همچنین بررسی تصاویر از کلیشه‌ای‌ترین تا ابتکاری‌ترین آن، نشان دادن تصاویر ابتکاری هر شاعر و تقسیم‌بندی موضوعی تصاویر شعری سوسن، از مراحل دیگر پژوهش است. از نتایج اصلی پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۵۳ شاعر مورد بحث، بیش از ۷۵۳ تصویر از سوسن ارائه نموده‌اند. بعد از تجزیه و تحلیل این تصاویر و کنار نهادن تصاویر مکرر، حدود ۳۹۶ تصویر متنوع و نامکرر از سوسن به دست آمد. سوسن و گل (در شعر ۳۲ شاعر)، سوسن و لاله (در شعر ۲۳ شاعر)، سوسن و سرو، آزادی، رخ و عارض (در شعر ۱۹ شاعر)، سوسن و نرگس، زبان (در شعر ۱۷ شاعر) به ترتیب بیشترین بسامد را در شعر این شاعران دارند و از تکراری‌ترین تصاویر سوسن هستند. ۳۲۳ مورد از مجموع ۳۹۶ تصویر، هر کدام فقط در شعر یک شاعر ذکر شده‌اند و از ابتکاری‌ترین تصاویر سوسن محسوب می‌شوند. مولوی با (۹ درصد)، امیر معزی با (۷ درصد)، حسن غزنوی (۶/۵ درصد)، قطران با (۶ درصد) و فرخی با (۵/۵ درصد) بیشترین تصاویر ابتکاری را از سوسن پدید آورده‌اند؛ در حالی که شاعرانی مانند: فردوسی، عنصری، باباطاهر، خیام، فلکی، عراقی، سعدی و... در این زمینه تصویر ابتکاری کمتری

دارند. ۱۱ دسته‌بندی موضوعی از سوسن به دست داده شده که سوسن و اوصاف انسانی (۵۰ درصد)، سوسن و طبیعت (۱۵/۵ درصد) و سوسن و اشیا (۱۰ درصد) بیشترین تصویر را در ذهن شاعران ایجاد نموده است.

**تعارض منافع:** طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.



## پیوست

۱. به دلیل حجم زیاد تصاویر، امکان ذکر ابیات و شماره صفحات دواوین میسر نشد.
۲. به دلیل محدودیت صفحات مقاله، فقط به ذکر چند نمونه اکتفا شده است.

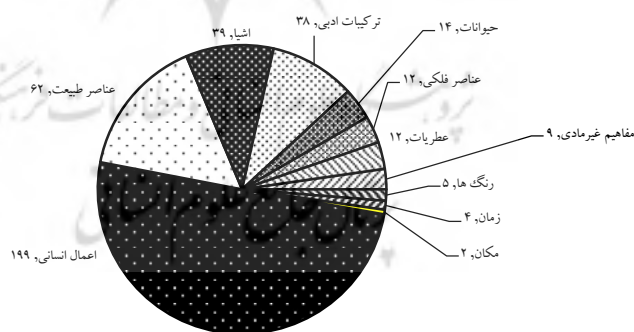
جدول شماره ۱: جدول بسامدی تصاویر کلی و ابتکاری سوسن در شعر شاعران به ترتیب دوره تاریخی

تصویر کلی	تصویر کلی	تصویر ابتکاری	تصویر کلی	تصویر کلی	تصویر ابتکاری	تصویر کلی	تصویر کلی
۱۹	۳۷	جامی	۲	۴	قوامی	۳	۳
۳	۸	وحشی	۱۳	۲۴	انوری	۴	۴
۱	۱	محتشم	۱۳	۲۷	مجیر	۰	۰
۶	۱۱	نظیری	۰	۲	فلکی	۲۳	۲۳
۱	۱	کلیم	۱۱	۲۰	خاقانی	۱	۲
۳	۱۲	صائب	۱۷	۲۸	نظامی	۱۶	۲۱
۱	۴	واعظ	۵	۱۵	عطار	۱	۱
۲	۴	بیدل	۳۵	۵۹	مولوی	۱۱	۱۸
۲	۲	طیب	۰	۳	عراقی	۲۴	۴۱
۴	۱۳	حزین	۱	۲	سعدی	۷	۱۲
۳	۵	نشاط	۳	۸	سیف	۳	۴
۵	۲۲	قاآنی	۴	۱۱	امیر خسرو	۰	۰
۰	۲	فروغی	۱۱	۱۹	اوحدی	۱۴	۲۷
۲	۷	صفا	۳	۱۰	خواجو	۲۷	۳۹
۰	۲	فرخی یزدی	۶	۱۵	عبید	۰	۰
۱۶	۳۰	بهار	۱۵	۳۸	سلمان	۰	۵
۶	۱۳	پروین	۵	۱۲	حافظ	۱۴	۳۳
			۴	۱۳	کمال	۲۶	۳۸

جدول شماره ۲: جدول تقسیم‌بندی موضوعی تصاویر سوسن

موضوعات	کل تصاویر	تصاویر بکر	تصاویر سوسن
۱ اوصاف و اعمال انسانی	۳۳۶	۱۹۹	۵۰٪
۲ عناصر طبیعت	۲۴۰	۶۲	۱۵/۵٪
۳ اشیا	۴۵	۳۹	۱۰٪
۴ ترکیبات ادبی	۳۸	۳۸	۹/۵٪
۵ حیوانات	۱۷	۱۴	۳/۵٪
۶ عناصر فلکی	۱۹	۱۲	۳٪
۷ عطریات	۳۰	۱۲	۳٪
۸ مفاهیم غیرمادی	۱۰	۹	۲/۵٪
۹ رنگ‌ها	۱۱	۵	۱/۵٪
۱۰ زمان	۵	۴	۱٪
۱۱ مکان	۲	۲	۰/۵٪
جمع	۷۵۳	۳۹۶	۱۰۰٪

نمودار شماره ۲: دسته‌بندی موضوعی تصاویر سوسن



## منابع و مأخذ

- اسکلتن، رابین. (۱۳۷۵). **حکایت شعر**. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: میترا.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۴). **دیوان اشعار**. به اهتمام حسن برازان. تهران: سنبله.
- امیرخسرو دهلوی. (۱۳۶۲). **دیوان اشعار**. به اهتمام سعید نفیسی. تهران: جاویدان.
- انوری، علی. (۱۳۷۶). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- اوحدی مراغه‌ای. (۱۳۷۵). **دیوان اشعار**. به اهتمام سعید نفیسی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). **طلا در مس**. تهران: زریاب.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۵۸). **دیوان اشعار**. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- بیدل، عبدالقادر. (۱۳۸۴). **دیوان اشعار**. به اهتمام خلیل‌الله خلیلی. تهران: سیمای دانش.
- بیلقانی، مجیر. (۱۳۵۸). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد آبادی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). **سفر در مه**. تهران: نگاه.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۶۶). **هفت اورنگ**. به اهتمام مرتضی مدرس. چاپ دوم. تهران: سعدی.
- حافظ. (۱۳۶۹). **دیوان اشعار**. به اهتمام خطیب رهبر. چاپ ششم. تهران: صفی‌علیشاه.
- خاقانی، بدیل. (۱۳۷۴). **دیوان اشعار**. به اهتمام ضیاء‌الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: زوار.
- خواجه کرمانی، محمود. (۱۳۷۴). **دیوان**. به اهتمام احمد سهیلی. چاپ سوم. تهران: پازنگ و مرکز کرمان شناسی.
- خیام، عمر. (۱۳۷۳). **رباعیات**. به اهتمام محمدعلی فروغی و قاسم غنی. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- رودکی، ابو عبدالله. (۱۳۸۲). **دیوان اشعار**. به اهتمام سید نفیسی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- رونی، ابوالفرج. (۱۳۴۷). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمود مهدوی دامغانی. چاپ اول. مشهد: باستان.
- ساوجی، سلمان. (۱۳۶۷). **دیوان اشعار**. به اهتمام منصور شفق. چاپ دوم. تهران: صفی‌علیشاه.
- سعدی، عبدالله. (۱۳۶۵). **کلیات**. به اهتمام محمدعلی فروغی. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- سنایی، مجدود. (۱۳۶۹). **حدیقه الحقیقه**. به کوشش مدرس رضوی. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.

- سنایی، مجدود. (۱۳۶۲). **دیوان اشعار**. به کوشش مدرس رضوی. چاپ سوم. تهران: سنایی.
- سیف فرغانی، محمد. (۱۳۶۴). **دیوان اشعار**. به اهتمام ذبیح‌الله صفا. چاپ دوم. تهران: فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۹). «تکامل یک تصویر». **دانشکده ادبیات مشهد**. سال ۲۳. شماره ۳ و ۴. صص ۳۸۴ تا ۳۹۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). **صورخیال در شعر فارسی**. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- صائب، محمدعلی. (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱). **دیوان**. به اهتمام محمد قهرمان. تهران: علمی و فرهنگی.
- عبید زاکانی، عبیدالله. (۱۳۷۹). **کلیات**. به اهتمام پرویز اتابکی. تهران: زوار.
- عراقی، ابراهیم. (۱۳۶۸). **دیوان**. به اهتمام سعید نفیسی. چاپ پنجم. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۷۱). **دیوان اشعار**. به اهتمام تقی تفضلی. چاپ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.
- عمیق بخاری، شهاب‌الدین. (۱۳۹۹). **دیوان اشعار**. به اهتمام سعید نفیسی. تهران: فروغی.
- عنصری، ابوالقاسم حسن. (۱۳۶۶). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. چاپ دوم. تهران: سنایی.
- غزنوی، سید حسن. (۱۳۶۲). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- فرّخی سیستانی، علی. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. چاپ ششم. تهران: زوار.
- فرّخی یزدی، محمد. (۱۳۸۲). **دیوان**. به اهتمام حسین مکی. چاپ سیزدهم. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۶۵م). **شاهنامه**. چاپ مسکو.
- قآنی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**. به اهتمام امیرحسین صانعی. تهران: نگاه.
- قطران تبریزی، ابومنصور. (۱۳۳۳). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد نخجوانی. تبریز: کتاب فروشی تهران.
- قوامی رازی، بدرالدین. (۱۳۳۴). **دیوان**. به اهتمام میرجلال‌الدین حسینی. تهران: چاپخانه سپهر.
- کسائی، ابوالحسن. (۱۳۷۰). **کسائی مروزی**. به اهتمام محمدامین ریاحی. چاپ سوم. تهران: توس.



- محتشم، کمال‌الدین علی. (۱۳۷۶). **دیوان**. به اهتمام محمدعلی گرگانی. چاپ پنجم. تهران: سنایی.
- مختاری، عثمان. (۱۳۳۶). **دیوان اشعار**. به اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ. چاپ اول. تهران: علمی.
- مسعود سعد سلمان. (۱۳۷۴). **دیوان اشعار**. به اهتمام پرویز بابایی. تهران: نگاه.
- معزی، ابو عبدالله محمد. (۱۳۱۸). **دیوان**. به اهتمام عباس اقبال. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- منوچهری دامغانی، احمد. (۱۳۷۵). **دیوان اشعار**. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. چاپ دوم. تهران: زوآر.
- مولوی، محمد. (۱۳۵۵). **کلیات شمس**. به اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- مولوی، محمد. (۱۳۷۸). **مثنوی معنوی**. به اهتمام عبدالکریم سروش. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ناصر خسرو. (۱۳۸۴). **دیوان اشعار**. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. چاپ ششم. تهران: دانشگاه تهران.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل بسامد تصاویر لاله در شعر فارسی». **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان**. دوره جدید. شماره ۲۶. صص ۳۲۷ تا ۳۴۷.
- نشاط، عبدالوهاب. (۱۳۷۹). **دیوان اشعار**. به اهتمام حسین نخعی. چاپ سوم. تهران: گل آرا.
- نظامی، الیاس. (۱۳۸۴). **کلیات اشعار**. تصحیح وحید دستگردی. چاپ پنجم. تهران: نگاه.
- وحشی بافقی، محمد. (۱۳۳۹). **دیوان اشعار**. به اهتمام حسین نخعی. تهران: امیرکبیر.

## References

- ‘Am’aq, Sh. (1960). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Sa'id Nafisi. Tehran: Forooghi.
- ‘Araqi, I. (1989). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Sa'id Nafisi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Javidan.
- ‘Attar, F. (1992). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Taghi Tafazzoli. 6<sup>th</sup> Edition. Tehran: ‘Elmi va Farhangi.

- Amir Khosrow Dehlavi. (1982). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Sa'id Nafisi. Tehran: Javidan.
- Anvari, 'A. (1997). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad Taghi Modarres Razavi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: 'Elmi va Farhangi.
- Bahar, M. (1979). *Divan-e-Ash'ar*, 4<sup>th</sup> Edition. Tehran: Amirkabir.
- Baraheni, R. (2001). *Tala dar mes*. Tehran: Zaryab.
- Bidel, 'A. (2005). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Khalilollah Khalili. Tehran: Simaye danesh.
- Baylaghani, M. (1979). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad Abadi. Tabriz: Moasseseye Tarikh va Farhaang-e Iran.
- E'tesami, P. (2005). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Hasan Barazan. Tehran: Sonbole.
- Farrokhi Sistani, 'A. (2001). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad Dabirsiyaghi. 6<sup>th</sup> Edition. Tehran: Zavvar.
- Farrokhi Yazdi, M. (2003). *Divan*. Be Ehtemam-e Hosein Makki. 13<sup>th</sup> Edition. Tehran: Amirkabir.
- Ferdowsi, A. (1965). *Shahname*. Chap-e Moscow.
- Ghavami Razi, B. (1955). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mir Jalaloddin Hoseini. Tehran: Chapkhane-ye Sepehr.
- Ghaznavi, H. (1983). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad Taghi Modarres Razavi. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Asatir.
- Hafez. (1990). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Khatib Rahbar. 6<sup>th</sup> Edition. Tehran: Safi 'Alishah.
- Jami, 'A. (1987). *Haft Owrang*. Be Ehtemam-e Morteza Modarres. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Sa'di.
- Kasayi, A. (1991). *Kasayi-ye Marvazi*. Be Ehtemam-e Mohammad Amin Riyahi. 3<sup>th</sup> Edition. Tehran: Toos.
- Khaghani, B. (1995). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Zia-oddin Sajjadi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Zavvar.
- Khajooye Kermani, M. (1995). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Ahmad Soheyl. 3<sup>th</sup> Edition. Tehran: Pazhang va Markaz-e Kerman Shenasi.
- Khayyam, 'O. (1994). *Roba'iyyat*. Be Ehtemam-e Mohammad 'Ali Foroghi & Ghasem Ghani. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Asatir.
- Manoochehri, A. (1996). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad Dabirsiyaghi. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Zavvar.
- Mas'ood Sa'd Salman. (1995). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Parviz Babayi. Tehran: Negah.
- Mo'ezzi, A. (1939). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Abbas Ighbal. Tehran: Ketabforooshi-ye Eslamiyye.
- Mohtasham, K. (1997). *Divan-e-Ash'ar*. Be Ehtemam-e Mohammad 'Ali Gorgani. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Sanayi.

- Mokhtari, 'O. (1957). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Roknoddin Homayoon Farrokh. 1<sup>th</sup> Edition. Tehran: 'Elmi.
- Nabilou, 'A. (2009). Barresi va Tahlil-e Basamad-e Tasavir-e Lale dar She'r-e Farsi. Nashriye-ye Daneshkade-ye Adabiyyat va 'Oloom-e Ensani-ye Daneshgah-e Shahid Bahonar Kerman. No. 26. Pp. 327-347.
- Naser Khosrow. (2005). Divan-e-Ash'ar. Tashih-e Mojtaba Minovi & Mahdi Mohaghhegh. 6<sup>th</sup> Edition. Tehran: Daneshgah-e Tehran.
- Neshat, 'A. (2000). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Hosein Nakha'i. 3<sup>th</sup> Edition. Tehran: Golara.
- Nezami, E. (2005). Kolliyate Ash'ar. Tashih-e Vahid Dastgerdi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Negah.
- Obeyd Zakani, 'O. (2000). Kolliyat. Be Ehtemam-e Parviz Atabaki. Tehran: Zavvar.
- 'Onsori, A. (1987). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Mohammad Dabirsiyaghi. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Sanayi.
- Owhadi Maraghei. (1996). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Sa'id Nafisi. Tehran: Amirkabir.
- Poornamdariyan, T. (2002). Safar dar meh. Tehran: Negah.
- Qa'ani, H. (2001). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Amir Hosein Sane'i. Tehran: Negah.
- Qatran Tabrizi, A. (1954). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Mohammad Nakhjavani. Tabriz: Ketabforooshi-ye Tehran.
- Roodaki, A. (2003). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Sa'id Nafisi. 4<sup>th</sup> Edition. Tehran: Amirkabir.
- Rooni, A. (1968). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Mahmood Mahdavi Damghani. 1<sup>th</sup> Edition. Mashhad: Bastan.
- Mowlavi, M. (1976). Kolliyat-e Shams. Be Ehtemam-e Badi'e-oz-Zaman Foroozanfar. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Amirkabir.
- Mowlavi, M. (1999). Masnavi-ye Ma'navi. Be Ehtemam-e Abdolkarim Soroosh. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: 'Elmi va Farhangi.
- Sa'di, 'A. (1986). Kolliyat. Be Ehtemam-e Mohammad 'Ali Forooghi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Amirkabir.
- Sa'eb, M. (1992). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Mohammad Ghahraman. Tehran: 'Elmi va Farhangi.
- Sanayi, M. (1983). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Modarres Razavi. 3<sup>th</sup> Edition. Tehran: Sanayi.
- Sanayi, M. (1990). Hadighat ol-Haghighah. Be Ehtemam-e Modarres Razavi. 4<sup>th</sup> Edition. Tehran: Daneshgah-e Tehran.
- Savaji, S. (1988). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Mansour Shafagh. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Safi 'Alishah.

- Seyf Farghani, M. (1985). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Zabihollah Safa. 2<sup>th</sup> Edition. Tehran: Ferdowsi.
- Shafi'i Kadkani, M. (1989). Takamol-e yek tasvir. Daneshkadeye Adabiyat-e Mashhad. Years 23. No. 3&4. Pp: 384-390.
- Shafi'i Kadkani, M. (1993). Sovar-e khiyal dar She'r-e Farsi. 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Agah.
- Skeleton, R. (1996). Hekayat-e She'r. Tarjomeye Mehrangiz Owhadi. Tehran: Mitra.
- Vahshi Bafghi, M. (1960). Divan-e-Ash'ar. Be Ehtemam-e Hosein Nakha'i. Tehran: Amirkabir.

